

استمرار و تقویت آرمان‌های انقلاب در فرآیند جامعه اسلامی تمدن ساز

ملیحه پورشیخ^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ در زمره مهم‌ترین و بزرگ‌ترین جنبش‌های سیاسی-اجتماعی در قرن بیستم به شمار می‌آید و قطعاً دارای اهدافی عالی بوده که این‌گونه توانسته است توده‌ها را به حرکت درآورد. از سویی با توجه به ورود به چهل سالگی انقلاب و رهنمودهای مقام عظمای ولایت در قالب بیانیه گام دوم، ضرورت بررسی آرمان‌های انقلاب و راهکارهای استمرار و تقویت آن در راستای رسیدن به جامعه اسلامی تمدن ساز بر بر کسی پوشیده نیست. مسأله اصلی این نوشتار با رویکردی توصیفی - تحلیلی تبیین استمرار و تقویت آرمان‌های انقلاب در تحقق جامعه اسلامی تمدن ساز با جستاری در منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای (مدظله) است، که اشاراتی به دیدگاه معظم له درباره این انقلاب دارد و به موضوعاتی از قبیل مفهوم انقلاب اسلامی، آرمان انقلاب اسلامی و رمز تقویت و استمرارش در جامعه اسلامی می‌پردازد. همچنین در خواهیم یافت که از طریق تهذیب نفس، علم، حکمت، شخصیت انقلابی، بصیرت و... راهکارهای لازم را برای استمرار و تقویت اهداف و آرمان‌ها در راستای تحقق دولت، جامعه و تمدن اسلامی در اختیار داریم.

کلیدواژگان

مقام معظم رهبری^(مدظله)، انقلاب اسلامی، آرمان‌های انقلاب اسلامی، جامعه اسلامی



مقدمه

برای شناخت ابعاد مختلف یک موضوع، ابتدا لازم است چستی آن معلوم شود؛ به عبارت دیگر، ابتدا باید بدانیم ماهیت یک پدیده چیست و سپس به اهداف و آرمان آن پردازیم. وقتی درمی‌یابیم که انقلاب اسلامی ایران توانسته است براساس اصول و آرمان‌های اولیه خود، در طول نزدیک به نیم قرن پایدار و ماندگار بماند، بی‌شک ارزش‌ها و آرمان‌های حاکم بر روح آن، از گذشته تا به امروز، با فرهنگ و باورهای تاریخی مردم همراهی دارد؛ ارزش‌ها و آرمان‌هایی که در قالب سه ویژگی «جمهوریت» و «اسلامیت» و «حریت» علاوه بر تلاش و اراده برای «حفظ تغییر»، سازوکاری مختص برای استمرار و تقویت انقلاب و جامعه اسلامی تمدن ساز را می‌طلبد؛ از این رو، ماندگاری انقلاب اسلامی ایران را علی‌رغم وجود ضعف‌ها، می‌توان به خاطر وجود ساختار حکومتی دقیق و درست آن دانست. در این زمینه نیز آثار و پژوهش‌های متعددی تألیف شده است که هرکدام به نحوی به این بحث پرداخته‌اند و می‌توان آن‌ها را در قالب کتاب، مقاله و... دسته‌بندی کرد، از جمله:

- آیت قنبری در قسمتی از کتاب اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری (۱۳۸۶)، به طور خلاصه درباره مباحث پیرامون انقلاب اسلامی از قول بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) می‌پردازد.

- یحیی فوزی در کتاب اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه‌الله‌علیه (۱۳۹۰)، آرمان‌های انقلاب در اندیشه حضرت امام رحمه‌الله‌علیه را اظهار می‌دارد.

- مصطفی ملکوتیان در کتاب انقلاب‌های متعارض معاصر، به چرایی و چگونگی انقلاب‌های معاصر، از جمله انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد.

- محمدرضا تاجیک و فرهاد درویشی در مقاله «آرمان‌های انقلاب اسلامی در عصر جهانی شدن، چالش‌ها و واکنش‌ها» (۱۳۸۳: ۱۷۱-۱۴۰)، ماهیت و آرمان‌های انقلاب اسلامی را عمدتاً با تأکید بر دیدگاه‌ها و اندیشه امام خمینی رحمه‌الله‌علیه و ابعاد مختلف فرایند جهانی شدن را با تکیه بر نظر صاحب‌نظران مطرح ارائه می‌کنند.

بیشتر آثار و دیدگاه‌ها تنها به دو سوال چرایی و چگونگی انقلاب پرداخته‌اند و کمتر محققانی به ابعاد انقلاب و آرمان‌های انقلاب در مسیر تحقق جامعه اسلامی تمدن ساز از منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) پرداخته است.



۱. هدف

براساس مبانی شیعی، ولی فقیه و رهبر جامعه اسلامی نسبت به عموم مردم جایگاه هدایت‌گری دارد. از سوی دیگر، یک مؤمن مسلمان، به‌ویژه مسلمان متعبد انقلابی، در زمان حاکمیت اسلام و زمامداری ولی فقیه وظایفی دارد و برای انجام امور مختلف نمی‌تواند با تکیه بر اجتهاد شخصی خود و بی‌توجه به نظرات و خواسته‌های رهبری عمل نماید. در مسیر تحقق آرمان‌های انقلاب و نظام اسلامی، فهم اندیشه و نظام فکری ولی فقیه به‌عنوان نایب امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف که در زمانه ما به مثابه «بنیانی مرصوص» است، برای شناخت اولویت‌ها و وظایف و عمل به‌موقع و صحیح، مشخصاً در گام دوم انقلاب امری مهم و خطیر است.

بنابراین، در پی سوال «چگونه آرمان‌های انقلاب در فرآیند جامعه اسلامی تمدن‌ساز مؤثر است؟» محقق از سر عمل به وظایف، به نظام فکری رهبری مراجعه کرده و درصدد ارائه نظرات و دیدگاه‌های معظم‌له در چిستی انقلاب، آرمان‌های انقلاب اسلامی در استمرار و تقویت آرمان‌های انقلاب برآمد و همچنین، به بازخوانی بخشی از بیانیۀ گام دوم انقلاب برای عناصر سیاسی و دیپلماسی و... پرداخت تا مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

همان‌طور که رهبر معظم انقلاب^(مدظله) فرمودند، شکل دادن به يك آرمان، سیاستی است که بتواند به فعالیت‌ها و تلاش‌های جوان جهت دهد؛ چون بدون آرمان، نه می‌توان درست زندگی کرد و نه تلاش انسان، منضبط خواهد بود. باید آرمان و خط روشن و افق واضحی در مقابل وجود داشته باشد که به انسان جهت بدهد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۲۵).

۲. روش

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی (Descriptive-Analytic): درصدد نشان دادن تأثیرگذاری یک متغیر بر متغیر دیگر) است. روش گردآوری و جمع‌آوری اطلاعات، مطالعات کتابخانه‌ای است. از جمله ابزار گردآوری مطالب مورد نیاز در این تحقیق و پژوهش، دست‌نوشته‌های کلاسی، فیش‌برداری از کتب مورد نیاز و همچنین استفاده از شبکه‌های اینترنتی و نرم‌افزارهای علمی و پژوهشی مرتبط با موضوع است.

۳. مفهوم شناسی

امکان دارد هر پژوهشی مفاهیم، تعاریف و دلالت‌های خاصی داشته باشد؛ اما در این پژوهش، تلاش بر این است که در تعریف مفاهیم به کار رفته، از تعاریف مصطلح استفاده شود. انقلاب اسلامی، آرمان‌های انقلاب اسلامی، جامعه اسلامی، تمدن و مفاهیم مرتبط با آن از اصطلاحات اصلی این تحقیق هستند که در ذیل به تعریف آن‌ها می‌پردازیم:

۳-۱- انقلاب اسلامی

در مطالعه هر پدیده‌ای ابتدا باید به تبیین مفهومی آن پرداخت. تعاریف زیادی از انقلاب ارائه شده است و هر یک از آن‌ها زاویه‌ای از زوایای انقلاب را آشکار می‌سازد. برای درک بهتر تعریف آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله) از انقلاب، ابتدا به چند مورد از تعاریف مطرح می‌پردازیم.

واژه «Revolution» به معنای انقلاب، ابتدا به مفهوم حرکت دورانی سیاره‌ها و بازگشت آن‌ها به حالت اول در علم اخترشناسی به کار می‌رفت و بعدها در واژگان علوم اجتماعی به کار برده شد (ملکوتیان، ۱۳۹۱: ۳). برای تعریف انقلاب در مقاله «شناخت حوادث ۲۰۱۱ خاورمیانه در قالب مبانی مفهومی-نظری» به نقل از هانا آرنت آمده: «انقلاب به پدیده اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و ایدئولوژیکی یک جامعه با مشارکت مردم که همراه با خشونت است، اطلاق می‌شود» (حاجی‌یوسفی و شهریار، ۱۳۹۱: ۱۴).

همچنین، حرکت امت مسلمان در راستای تغییر نظام غیراسلامی گذشته و نظام جامع اسلامی را جایگزین آن نمودن و تلاش برای اجرای قوانین و برنامه‌های اسلامی در شئون زندگی خود نیز «انقلاب اسلامی» نامیده می‌شود (فاضلی نیا، ۱۳۸۶: ۲۴).

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله)، انقلاب اسلامی دارای خصوصیات ویژه‌ای است که آن را از سایر انقلاب‌های جهان متمایز می‌نماید. آن ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. انقلاب اجتماعی همه‌جانبه همراه با تحول بنیادین در زندگی انسان‌ها (خامنه‌ای، ۱۳۶۲/۱۰/۳)؛
۲. ایستادگی بر پایه فرهنگ و اعتقاد و ایمان در مراحل مختلف انقلاب (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۷/۵)؛
۳. برخورداری از پشتوانه عظیم فلسفه و فقه و معارف شیعه در طول هزار سال (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۱/۲۸)؛



۴. جایگزینی جریان توحیدی به جای جریان طاغوتی (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۷/۱۸ و ۱۳۹۸/۱/۱۴):

۵. بهره‌مندی از رویکرد ارزشی و هدف‌گیری اصلاح مفاسد جهانی و بشری (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۷):

۶. يك نوع رفتارهای اجتماعی، يك نوع نظام سیاسی و يك حکومت، با يك نوع حرکت اقتصادی به سمت بهتر شدن جامعه (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۲/۲۴):

۷. شکل‌گیری بر مبنای نظم و انضباط انقلابی (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۴/۱).

از مجموع بیانات معظم له، مفهوم جدیدی از انقلاب به دست می‌آید: «مفهوم انقلاب مبتنی بر مبنای صدر اسلام است؛ یعنی حادثه‌ای با اتکا بر فرهنگ و اعتقاد و ایمان و فقه و معارف شیعه و بر مبنای نظم و انضباط انقلابی، با يك نوع رفتارهای اجتماعی، يك نوع نظام سیاسی و يك حکومت و با يك نوع حرکت اقتصادی برای حاکم کردن فرهنگ توحیدی به جای الحادی و استبدادی و به سمت بهتر شدن در اجتماع شکل گیرد».

۳-۲- آرمان‌های انقلاب اسلامی

یکی از سؤالات شایع درباره حکومت این است که يك حکومت چه آرمان‌هایی باید داشته باشد؟ لغت «ideal» (حییم، ۱۳۸۰: ۲۶۶) از ریشه «idealis»، معادل کلمه آرمان، به معنای عقیده و نظر مطلوب و کمال مطلوب است (آراسته‌خو، ۱۳۷۰: ۶۱). همچنین، این واژه را به معنای آرزو، امید، حسرت، اندوه (معین، ۱۳۸۵: ۴۴)، رنج بردن، پشیمانی و افسوس (ابن‌خلف تبریزی، ۱۳۶۲: ۳۷) نیز دانسته‌اند. از نظر برخی ایده‌آلیست‌ها، حکومت تنها یک هدف قلمداد می‌شد و آن را فوق مردم و فرد می‌دانستند و گروهی دیگر که ارزش ذاتی را مختص فرد می‌دانستند، دولت و حکومت را وسیله‌ای بشری برای دستیابی به برخی اهداف موردنظر جامعه انسانی به شمار می‌آوردند. متفکران سیاسی از زوایای مختلفی به آرمان‌ها و اهداف دولت نگریسته‌اند. اهداف آرمانی و ایدئولوژیکی که به‌عنوان الگو و آرمان دوردست موردنظر هستند، به دلیل بازتاب ایده‌آل‌ها و نقطه اوج آرزوهای يك ملت، فوق‌العاده مهم، الهام‌بخش، الگودهنده و راهگشا هستند. دستیابی به اهداف آرمانی یا همان ایده‌آل‌های ارجمند انسانی نیازمند وجود ظرفیت‌ها، امکانات و فرایند بلندمدت است.



همچنین، قرآن کریم نیز در آیه یک سوره ابراهیم، یکی از اهداف اصلی حکومت اسلامی را رشد، نورانیت و تعالی انسانی در سطوح مختلف ذکر می‌کند. (کِتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ)؛ «[این] کتابی است که آن را بر تو نازل کردیم تا مردم را به اجازه پروردگارشان از تاریکی‌ها [ای جهل، گمراهی و طغیان] به سوی روشنایی [معرفت، عدالت و ایمان و در حقیقت] به سوی راه [خدای] توانای شکست‌ناپذیر و ستوده بیرون آوری.»

بنابراین، باید شرایط لازم برای نورانی کردن جامعه و رهایی انسان‌ها از انواع تاریکی‌ها از سوی حکومت دینی و کارگزاران دولت اسلامی جهت رسیدن به تمدن اسلامی میسر شود که در این راستا به برخی از آرمان‌های انقلاب اسلامی ذکر شده در بیانیه گام دوم انقلاب، همچون آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری و جمهوری اسلامی در این پژوهش می‌پردازیم.

۳-۳- جامعه اسلامی

واژه «جامعه» معادل «society» (حییم، ۱۳۸۰: ۶۰۳) و مشتق از ریشه «sociatas»، اجتماع و جمع (طیبی، ۱۳۵۴: ۷۸-۷۷) یا شریک و همنشین (آراسته‌خو، ۱۳۷۰: ۴۵۵) است و از نظر لغوی، اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» (گرد آوردن امور متفرق) و به معنای گردآورنده و برهم‌افزاینده است (مهیار، بی تا: ۱۵).

با توجه به دیدگاه‌های متفاوت درباره دو واژه فرد و جامعه، هریک از جامعه‌شناسان در تعریف اصطلاحی جامعه، بر رکن خاصی تأکید کرده و تعریف‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. گروهی به عنصر «روابط منظم، مداوم و عمیق»، برخی به «افراد و آحاد انسانی» و گروهی دیگر به «استقلال و خودکفایی» توجه دارند.

بعضی از جامعه‌شناسان، جامعه را چنین تعریف نموده‌اند: «دسته‌ای از مردم که به اشتراک زندگی می‌کنند و می‌کوشند به اتفاق، وسایل زندگی خویش را تأمین کنند و نسل را ادامه دهند» (کینک، ۱۳۵۵: ۳۰). برخی هم اینگونه تعریف کرده‌اند: «دسته‌ای از مردم که برای نیل به هدف عالم‌المنفعه‌ای در حال تعاون به سر می‌برند» (کینک، ۱۳۵۵: ۳۰).



در کتاب **جامعه و تاریخ**، جامعه را چنین تعریف می‌کنند: «مجموعه‌ای از افراد انسانی که با نظامات و سنن و آداب و قوانین خاص به یکدیگر پیوند خورده و زندگی دسته‌جمعی دارند، جامعه را تشکیل می‌دهند» (مطهری، بی تا: ۳۱۳).

برخی از ویژگی‌های جامعه اسلامی از منظر مقام معظم رهبری^(مدظله) عبارتند از:

۱. در رأس آن جامعه، خدا حکومت می‌کند؛
 ۲. همه روابط و امور را دین خدا تعیین می‌کند و حدود الهی جاری می‌شود؛
 ۳. عزل و نصب را خدا می‌کند (قنبری، ۱۳۸۶: ۷۷)؛
 ۴. اندیشه و تصمیم‌گیری مردم، متکی بر تعالیم و توصیه‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام است (خامنه‌ای، ۱۳۶۱/۹/۱۲)؛
 ۵. تبعیض و ظلم و نابرابری وجود ندارد؛
 ۶. فقر و محرومیت وجود ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۴/۳۱)؛
 ۷. آخرت را از طریق دنیا هدف می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۳/۱۲)؛
 ۸. دارای معنویت، عدالت، عزت و قدرت است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۷/۱۷).
- بنابراین، جامعه‌ای که در رأس آن خدا و قوانین او حکومت نکند و در آن معنویت، عدالت، عزت و قدرت، ثروت، رفاه نباشد و اندیشه مردمان آن بر تعالیم و توصیه‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام متکی نباشد، در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله) جامعه اسلامی نیست.

۴. آرمان‌های انقلاب

اگر مسئله‌ای با توجه شرایط زمانی پدید آید، ممکن است با گذشت زمان دچار کهنگی شود؛ ولی آرمان‌های انقلاب اسلامی که مبتنی بر ارزش‌های اصیل انسانی‌اند، کهنه نمی‌شوند و همیشه روزآمدند. یکی از راه‌های شناخت ماهیت انقلاب، توجه به مفاد درونی آرمان یا ایدئولوژی انقلابی است. عناصر تشکیل‌دهنده آرمان انقلاب اسلامی ایران که برگرفته از ماهیت اسلامی است، زمانی بهتر درک می‌شود که به سرنوشت آرمان‌های انقلاب‌های معاصر دیگر توجه کنیم.



۴-۱- مقایسه انقلاب‌های معاصر

بعد از اشاره به مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب‌های معاصر (ایران، فرانسه، روسیه و الجزایر)، هم‌چون آرمان‌ها، ایدئولوژی، رهبری و مشارکت مردم، می‌توان به استمرار انقلاب اسلامی ایران بر آرمان‌هایش پی برد. (پورشیخ، ۱۳۹۵)

۴-۱-۱- انقلاب فرانسه سال ۱۷۸۹

در پایان قرن هجدهم که دوره بیان آراء جدید بود، از سوی روشنفکران فرانسه، هم‌چون مونتسکیو، ولتر و ژان ژاک روسو، انتقادهای زیادی از اوضاع اجتماعی و سیاسی آن کشور می‌کردند. ساختار اجتماعی فرانسه یک ساختار طبقاتی بود و اشراف در مرکز قدرت و ثروت و معافیت مالی قرار داشتند. این متفکران، افکار آزادی‌خواهی و لیبرالیستی خود را تبلیغ می‌کردند که انتقال حاکمیت از خدا به مردم، اصالت فرد و فردگرایی، آزادی‌های فردی مالکیت از بخش خصوصی و جدایی دین از سیاست از ویژگی‌های این تفکر است.

در انقلاب فرانسه، از همان ابتدا یک آرمان واحد وجود نداشت و انقلابی‌ها با شعار آزادی و برابری در سال ۱۷۸۹ حکومت مشروطه سلطنتی میرابو را پذیرفتند. در سال ۱۷۹۲ دانتون و جمهوری‌خواهان میانه‌رو قدرت را در اختیار گرفتند. در سال ۱۷۹۳ جمهوری مساوات روسپیر، هیئت مدیره یا دایرکتوار پنج نفره‌ای که یکی از اعضایش ناپلئون بود، در رأس قرار گرفت که در ۱۷۹۹ ناپلئون خود را امپراتور فرانسه خواند و با شکست او در جنگ‌های ناپلئونی در سال ۱۸۱۵ انقلاب پایان یافت.

هرچند در سال ۱۸۱۵ کنگره وین تشکیل شد و حکومت به رژیم سابق برگشت و لوئی هجدهم به سر کار آمد. در سال ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ فرانسه از سوی مشروطه‌خواهان دوباره دستخوش انقلاب شد. در سال ۱۸۵۲ لوئی ناپلئون (برادرزاده ناپلئون) امپراتوری دوم را ایجاد کرد و در سال ۱۸۷۰ کومت کمون پاریس فقط ۷۱ روز دوام آورد. بحث‌های بعد از انقلاب فرانسه به این دلیل اتفاق افتاد که فرانسوی‌ها خواستند به گذشته خودشان به طور کامل پشت پا بزنند، درحالی‌که آرمان‌های جدید، جامعیت لازم را نداشتند تا جایگزین آرمان‌ها و اهداف قدیم شوند.



۴-۱-۲- انقلاب روسیه سال ۱۹۱۷

انقلاب اکتبر روسیه در دو مرحله شکل گرفت؛ مرحله اول در فوریه سال ۱۹۱۷، زمانی که پادشاه نیکلای دوم در حال بازگشت از جبهه‌های جنگ جهانی اول در قطار مورد سوءقصد قرار گرفت و یک حرکت خودجوش و بدون رهبری شکل گرفت و با عدم حضور و مشارکت مردم و عدم مخالفت آن‌ها گروهی (کادت‌ها) در دوام روسیه به نام گروه پیشرو و فردی به نام کرنسکی که طرفدار سلطنت مشروطه بودند، به پیروزی رسیدند و دولت موقت به دست آن‌ها افتاد. مرحله دوم در ماه اکتبر به رهبری لنین صورت گرفت. هیچ‌یک از رهبران انقلاب، مقبولیت و مشروعیت مردمی را نداشتند. ایدئولوژی حاکم بر این انقلاب، مارکسیسم بود که از ویژگی‌های مهم آن اصالت ماده، اصالت جمع، دیکتاتوری پرولتاریا و... بود. لنین مدام علیه دولت موقت پیام می‌داد و با شعار نان، مسکن، صلح و شوراها، مردم را به شورش دعوت می‌کرد؛ ولی محور شعارها که مقابله با غرب امپریالیست بود، در جنگ‌های امپریالیستی ضعیف و دچار انقلاب‌های سوسیالیستی شدند.

دو اندیشه و آرمان دیگری که در این انقلاب وجود داشت، یکی سوسیالیست‌های انقلابی که طرفدار واگذاری زمین به دهقانان بودند و هواداران عمومی بیشتری داشتند و در مرحله‌ای از دولت موقت به همراه منشویک‌ها قدرت را به دست گرفتند؛ دیگری سوسیال دموکرات‌ها که در سال ۱۹۰۳ به دو گروه منشویک‌ها و بلشویک‌ها تقسیم شدند. آن‌ها مروج اندیشه مارکسیستی بودند. نهایتاً اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۲ از هم پاشید.

۴-۱-۳- انقلاب الجزایر سال ۱۹۶۲

انقلاب الجزایر ۱۷ سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران علیه فرانسوی‌ها رخ داد، پس به طور علنی علیه سیاست خارجی و استعمار بود. فرانسه در سال ۱۸۳۰، الجزایر را به اشغال نظامی درآورد. استعمارگران با سیاست‌های عمران و آبادانی وارد شدند و تحت آن سیاست‌ها، کشور را مستعمره خود کرده و با فرهنگ مردم الجزایر مبارزه کردند. از سال ۱۹۵۴، انقلاب الجزایر وارد مرحله جدیدی شد. الجزایری‌ها با «شعار اسلام دین ماست، الجزایر وطن ماست و عربی زبان ماست»، به تظاهرات و درگیری با فرانسوی‌ها پرداختند تا اینکه نهایتاً در سال ۱۹۶۲ فرانسوی‌ها مجبور به پذیرش استقلال الجزایر شدند؛ ولی در این انقلاب،



چهره منحصر به فردی که بتواند انقلاب را به پیروزی برساند، وجود نداشت و چهره منحصر به فرد و ایدئولوژی که الجزایری‌ها ارزش انقلاب خود را ندانستند و ارزش‌ها، آرمان‌ها و اصول انقلابی خود را فراموش کردند که امروز به پیشرفت و استقلال نرسید.

اما در انقلاب اسلامی ایران، اکثریت قاطع نیروهای سیاسی و مردم به یک هدف مشترک ذهنی، باور و به رهبری انقلاب اعتماد داشته‌اند و قاطبه مردم به «جمهوری اسلامی» رأی آری دادند و دیگر آنکه «استقلال» از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی بود و اهداف و آرمان‌های یک نظام سیاسی در صورتی می‌تواند تداوم یابد که آن کشور استقلالش را حفظ کند. خیلی از کشورها بعد از انقلاب، اصل استقلال را رعایت نکردند و به بیگانگان روی آوردند.

۴-۲- آرمان‌های انقلاب اسلامی

همان‌طور که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله) در بیانیه گام دوم فرمودند، آرمان‌های این انقلاب به دلیل سرشته بودن با فطرت هرگز کهنه نمی‌شوند. آن آرمان‌ها عبارتند از:

۴-۲-۱- آزادی

مستقل اندیشیدن در باب مفهوم آزادی، حائز اهمیت است و منظور از آزادی «آزادی اجتماعی» به همین معنایی که امروز در فرهنگ سیاسی دنیا ترجمه می‌شود، است. آزادی به مثابه یک حق انسانی برای اندیشیدن، گفتن، انتخاب کردن و از این قبیل است که ریشه قرآنی و الهی دارد و امر فطری انسان محسوب می‌شود (أعراف: ۱۵۷). بنابر منطق اسلام، مبارزه برای آزادی یک تکلیف است؛ چون مبارزه برای یک امر الهی است و حرکت علیه آزادی، حرکت علیه یک پدیده الهی است؛ یعنی در طرف مقابل، یک تکلیف دینی به وجود می‌آورد. اصلاً انسان‌ها آزادند؛ چون مکلفند. اگر مکلف نبودند، آزادی لزومی نداشت؛ از این رو در تفکر اسلامی «آزادی» مرزی از ارزش‌های معنوی دارد؛ چراکه خصوصیت بشر این است که مجموع انگیزه‌ها و غرایز متضاد است و مکلف است که در خلال این انگیزه‌های گوناگون، راه کمال را بییابد. به او آزادی داده شده، به خاطر پیمودن راه کمال (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۶/۱۲).



تشکیل حکومت، هدف نیست. تشکیل حکومت برای تحقق آرمان‌هاست. اگر حکومت تشکیل شد؛ ولی در جهت تحقق آرمان‌ها پیش نرفت، حکومت منحرف است. ممکن است تحقق آرمان‌ها سال‌ها طول بکشد، موانع و مشکلاتی بر سر راه وجود داشته باشد؛ ولی جهت حکومت حتماً باید به سمت آن هدف‌ها و آرمان‌ها و آرزوهایی باشد که شعار آن داده شده است و داده می‌شود و در متن قرآن و احکام اسلامی وجود دارد. چنانچه مقررات الهی مستقر شد، نظم متکی به اسلام به وجود آمد و عدالت اجتماعی تحقق پیدا کرد، هنوز یک هدف متوسط یا درواقع، یکی از مراحل راه، طی شده است. مرحله بعد آن است که مردمی که در این نظام به آسودگی، بی‌دغدغه و با برخورداری از عدل زندگی می‌کنند، برای تخلق به اخلاق حسنه، فرصت و شوق پیدا کنند؛ بنابراین، بعد از تشکیل نظام عادلانه و استقرار عدالت اجتماعی و حکومت واقعاً اسلامی، این هدف است.

انسان‌ها باید متخلق به اخلاق حسنه باشند که البته تخلق به اخلاق حسنه هم موجب تعالی و تکامل معنوی و روحی و معرفت برتر است و آن از مراحل انسان کامل است. مرحله‌ای که حالا به ما ارتباط پیدا می‌کند، مرحله اخلاق است، اخلاق، اخلاق! جامعه ما باید یک حرکت اساسی را به‌عنوان متمم اصلی انقلاب بزرگ اسلامی انجام دهد که این حرکت بزرگ، دارای دو مرحله باشد؛ یکی استقرار نظام و گسترش اخلاق اسلامی در میان خود ما، ارزشی شدن خلیقات اسلامی در میان ما مردم. این‌ها ارزش شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۹/۱۹).

آرمان‌ها، تغییر پیدا نمی‌کنند، آرمان معنویت‌طلبی، آرمان عشق‌طلبی، آرمان خداجویی و از این قبیل چیزها؛ ولی روش‌ها و ابزارها برحسب زمان تغییر پیدا می‌کنند و دل انسان به عشق آن آرمان‌ها می‌تپد و برای آن حرکت می‌کند. اسلام برای اینکه انسان بتواند خود را تأمین بکند، دستورهای منظم برای همه زمان‌ها و منطبق با همه شرایط در اختیار انسان گذاشته است. با همان هدف‌ها این انقلاب پدید آمد، البته می‌توانست بر مبنای دیگر و در چهارچوب‌های دیگر و به سمت آرمان‌های دیگری شکل بگیرد. حضور ایمان این مردم و حضور شخصیت امام بزرگوار و حضور دین در این کشور، این حرکت عظیم و حادثه بزرگ را به این شکل و به این سمت حرکت داد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۳: ۹۹-۹۸).



البته این‌ها جز در سایهٔ دین، در سایهٔ تفکر اسلامی و اندیشهٔ ناب اسلامی میسر نیست. هیچ‌جا نمی‌توانند این آرمان‌ها را بدون تکیه به معنویت به وجود آورند. هر جا که هر مقدار آن انجام شده، با تکیه به یک معنویت بوده است. حال آن معنویت گاهی دین و گاهی برخی چیزهای دیگر است، برخی سنت‌ها، بعضی یادگارهای فلسفی و از این چیزهاست. همهٔ این‌ها در تفکر اسلامی حضور و وجود دارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۰۷).

۴-۲-۴-عدالت

چون هدف‌های بشر و آرمان‌های عالی به تبع نیازهای انسان، از اول تا آخر تاریخ، تغییرناپذیرند؛ یعنی بشر از اول تاریخ تا هر وقتی که زنده باشد، به عدالت محتاج است، عدالت یک آرمان دائمی است. با گذشت زمان، آرمان عدالت تغییر پیدا نمی‌کند. شکل‌های تأمین عدالت، و وسایل رسیدن به عدالت، برحسب گذشت زمان، تغییر پیدا می‌کند؛ اما آرمان عدالت، همیشه باقی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۳: ۹۷).

همچنین عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنع تبدیل خواهد شد. عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید، البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک بعدی است. اسلام، معنویت بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسان‌ها ندارد. «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱۶۳). آدم معنوی‌ایی که با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می‌سازد، این چطور معنوی است؟ این‌گونه معنویت را ما نمی‌توانیم بفهمیم؛ بنابراین، معنویت و عدالت در هم تنیده است. نکتهٔ دیگر اینکه به هیچ‌وجه منظور از عدالت، توزیع فقر نیست؛ بلکه توزیع عادلانهٔ امکانات موجود است (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸).



هیچ وقت آرمان‌ها را فراموش نکنید. آرمان‌ها را به ملاحظه هیچ‌کس هم کنار نگذارید. آرمان، استقلال مطلق این کشور است که امروز ما از لحاظ بافت سیاسی و ساخت سیاسی کشور استقلال‌مان کامل است. از لحاظ اقتصادی، هنوز استقلال‌مان کامل نیست، از لحاظ فرهنگی هم استقلال‌مان کامل نیست. این‌ها را شماها [جوانان] باید تأمین کنید. شماها باید در آینده جزء نیت‌های حتمی‌تان این باشد که این کشور را به استقلال اقتصادی واقعی برسانید، چیزی که تاکنون محقق نشده است؛ البته خیلی کم شده، خیلی پیوندها ورشته‌های وابستگی اقتصادی گسسته شده؛ اما خیلی از آن‌ها هم هنوز باقی مانده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۴: ۱۰۷).

۴-۲-۶- عزت

عزت و حکمت و مصلحت، يك مثلث الزامی برای چهارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست. عزت یعنی تحمیل هیچ‌کس را قبول نکردن (خامنه‌ای، بی‌تا: جملات قصار). عزت ملی خیلی برای یک کشور مهم است و ترجمه عملی در همه عرصه‌های زندگی ما دارد. جریان علم و تحقیق مایه حیات جامعه و عزت جامعه است. عزت علمی به دنبال خود عزت اقتصادی، عزت سیاسی، عزت بین‌المللی را می‌آورد (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۲۴). عزت ملی در مدیریت کشور به این معناست که یک دولت، یک نظام، به مردم متکی باشد. عزت ملی در مسائل اقتصادی به این است که کشور به قدرت خودکفایی برسد. اگر چیزی از دنیا نیاز دارد، می‌گیرد، چیزی هم دنیا به او نیاز داشته باشد، در مقابل از او بگیرد. مغلوب نباشد، مقهور نباشد. عزت ملی در عرصه علم به این است که علم را تولید کند. عزت یک ملت در سیاست‌های گوناگون و در تعاملش با کشورهای دیگر و دولت‌ها و قدرت‌ها این است که از استقلال رأی برخوردار باشد. یک دولت، یک نظام در مقابل قدرت‌ها آنچنان ظهور کند که نتوانند در هیچ مسئله‌ای اراده خودشان را بر او تحمیل کنند. عزت ملی در عرصه فرهنگ به این است که یک ملت به سنت‌های خود پایبند باشد، برای آن‌ها ارج قائل باشد، مقلد فرهنگ‌های بیگانه و مهاجم نشود. در نحوه اداره کشور و ارتباط با انسان‌ها، عزت ملی به این است که تک‌تک انسان‌ها در یک جامعه مورد احترام قرار بگیرند (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۳/۱۴).

۴-۲-۷- عقلانیت

اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقیِ خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است، دیگر معنویت. اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ بنابراین، عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است. عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن نیست. محافظه‌کار، طرفدار وضع موجود است. از هر تحولی بیمناک است. هرگونه تغییر و تحولی را بر نمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترسد؛ اما عقلانیت این‌طور نیست. محاسبهٔ عقلانی گاهی اوقات خودش منشأ تحولات عظیمی می‌شود. انقلاب عظیم اسلامی ما ناشی از یک عقلانیت بود (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸).

۴-۲-۸- برادری

امروز انگیزه برای ایجاد نابرداری زیاد است که از خارج بیایند و این برادری را به نابرداری تبدیل کنند. همه با هم برادرند. شما بایستی مراقب این توطئه‌ها باشید و آن آقایان را هم مراقب این توطئه‌ها بکنید. مواظب باشند که تحت تأثیر تبلیغات و تلقینات و توطئه‌های دشمن قرار نگیرند. این، آن اصل قضیه است (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۸/۲۷). الگوی نظام جمهوری اسلامی، الگوی اسلامی است؛ یعنی الگوی پیشرفت و توسعه و رفاه، همراه با عدالت و برادری و محبت و عطف و بین قشرها و پر شدن شکاف بین فقیر و غنی در جامعه. پیشرفت جامعه به این شکل که با معنویت همراه است، مورد نظر اسلام است. ما باید به این شعارها عمل کنیم. به صرف گفتن و تکرار کردن، نمی‌توان دلخوش بود که به آن هدف‌ها خواهیم رسید. باید این‌ها را در عمل و در تجربهٔ میدانی و واقعی پیاده کنیم. این مسئولیت بزرگ مسئولان جمهوری اسلامی است. همهٔ مسئولان به این معنا معتقد بوده‌اند و هستند و آن را دنبال می‌کنند؛ ولی باید تلاش و کار کنند تا این اهداف و آرمان‌ها تحقق پیدا کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۸). پیوند برادری میان ملت لازم است؛ اما کافی نیست. پیوند برادری علاوه‌ی بر درون ملت، باید میان امت اسلامی با کشورها و ملت‌های دیگر برقرار باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۳/۱۴).



رعایت قوانین و رعایت برادری و مروت و زیاده‌خواهی نکردن و تجاوز به حقوق دیگران نکردن و رعایت وقت را کردن -چه وقت خود، چه وقت دیگران- رعایت مقررات در عبور و مرور و رفت و آمد و مسائل مالی و تجاری و امثال این‌ها، همه مصادیق نظم است. یک مصداق مهم -نظم هم این است که میان کارکرد ما در جامعه و افکار و عقاید و شعارهای ما هماهنگی برقرار باشد، مثلاً صلاح ذات البین که امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت مهم خود «صَلِّحْ ذَاتَ بَيْنِكُمْ» (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق: ۴۲۱) آن را بیان می‌کند، فقط ائتلاف و اتحاد ظاهری نیست که دو گروه و دو جماعت بر سر یک چیز، قراردادی ببندند و ائتلاف ظاهری تشکیل دهند. از این بالاتر است؛ یعنی فی مابین همدیگر، دل‌ها با هم صاف شود. ذهن‌ها نسبت به یکدیگر خوش‌بین شود و هیچ‌گونه تعرض و ایدایی از کسی و از جناحی به یک مجموعه دیگر صورت نگیرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۹/۱).

۴-۲-۹- جمهوری اسلامی

«جمهوری اسلامی» یکی از ارکان آرمانی مهم انقلاب مردم ایران است. «جمهوری» بیانگر نوع حکومت و «اسلامی» نشانه محتوای آن است. شاگردان امام خمینی قدس سره نیز در دهه پنجاه، ایده و اندیشه حکومت اسلامی یا حکومت مبتنی بر ولایت فقیه را به‌عنوان آرمان مبارزه انقلابی برگزیدند و در نهایت، انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را با رهبری ایشان به پیروزی رساندند. آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) نیز به‌عنوان یکی از شاگردان برجسته ایشان، ولایت فقیه را در کانون اندیشه سیاسی خود قرار داده و می‌فرمایند:

اگر نگوییم حکومت، اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل اسلامی است، حداقل در ردیف چند مسئله درجه اول اهمیت در اسلام است. اگر مسئله حکومت را، مسئله ولایت را از دین بگیرند، دین يك مجموعه متفرق و متشتتی خواهد شد که یقیناً نخواهد توانست رسالت اصلی خودش را که هدایت انسان‌ها و ایجاد بهشت در این دنیا و به کمال رساندن انسان‌هاست، به انجام برساند. آنچه که به‌عنوان شرایط اصلی برای مجری امور جامعه، اداره‌کننده امور جامعه بر مبنای تفکر اسلام لازم است، دو صفت فقاهاست و عدالت است، البته فقیه عادل اگر بخواهد جامعه را درست اداره کند، باید قدرت تدبیر و اداره امور را هم داشته باشد. اگر بخواهد جامعه را از لغزش در پرتگاه‌ها نجات بدهد، باید عالم‌شناس و جریان‌شناس



و مردم‌شناس هم باشد، دارای حکمت سیاسی هم باید باشد. مبنا آن دو صفت است. این صفات هم در کنار آن دو صفت جزء لوازم است (قنبری، ۱۳۸۶: ۱۲۹-۱۲۶).

۵. رمز استمرار و تقویت آرمان‌های انقلاب در جامعه اسلامی

شرط اصلی جلوگیری از شکست و زوال انقلاب، تداوم و حرکت مستمر آن و تلاش در پیاده‌کردن تمام آرمان‌های انقلاب با همهٔ زمینه‌ها در جامعه اسلامی است. با شکل‌گیری جامعه اسلامی نمونه زمینه برای تمدن‌سازی و الگوگیری و آغاز تمدن اسلامی فراهم می‌گردد. از آنجایی که هر اندازه هدف عالی تر و از دسترس دورتر باشد، امکان اضمحلال و فساد انقلاب کمتر خواهد بود، از این رو شناخت لوازم پیشینی آن ضروری می‌نماید که در این قسمت به مواردی از منظر مقام معظم رهبری^(مدظله) اشاره می‌شود:

۵-۱- تهذیب نفس

(يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ) (جمعه: ۲)، آیات خدا را برای آن‌ها بخوانید و آن‌ها را با غیب مرتبط کنید. (و يُزَكِّيهِمْ) (آل عمران: ۱۶۴)، آن‌ها را از لحاظ اخلاقی تزکیه کنید؛ یعنی جامعه‌ای که در آن حسد، بخل، جنایت، حرص، بدبینی، توطئه‌گری و بددلی نسبت به یکدیگر وجود نداشته باشد. محیط جامعه اسلامی وقتی که تزکیه شود، بهشت است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۲۱).

۵-۲- علم، سلاح اصلی انسان

(وَيُعَلِّمُهُمُ) (آل عمران: ۱۶۴)، و به آن‌ها دانش بیاموزد. علم، سلاح اصلی انسان برای رسیدن به کمال است، بدون علم نمی‌شود. به هیچ قیمتی از علم نگذرید. علم را قدر بدانید. علم، خیلی مهم است. هر جا که هستید، در صورتی خواهید توانست بهترین کار را بکنید که عالم باشید. اگر عارف هم باشید، در صورتی که عالم باشید، گمراه نمی‌شوید. اگر نظامی و پاسدار هم باشید، علم به دردتان می‌خورد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۵/۲۶).



۵-۳- حکمت

این علمی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای انسان‌ها می‌آورد (الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ) (آل‌عمران: ۱۶۴)، کتاب و حکمت است. کتاب همه‌چیز، معارف زندگی، از معارف الهی گرفته تا هرآنچه که از معارف می‌شود به بشر تعلیم داد و به او آموخت و حکمت، بالاتر از این علم معمولی ماست. حکمت، آن دانسته‌های عظیمی است که چرخ زندگی انسان را می‌چرخاند. اگر کسی علم داشته باشد؛ ولی از حکمت برخوردار نباشد، زندگی او ماشینی، خشک، بی‌رمق، بی‌معنا، بی‌جهت و بی‌دوام خواهد بود. در حکمت، اخلاق، تیزبینی، عمق‌بینی و ژرف‌بینی، معنویت و ارتباط با خدا و فهم صحیح مسائل هست (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۲۲).

بنابراین، حکمت یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. مصلحت یعنی مصلحت انقلاب و این مصلحت همه‌جانبه است. اگر بخواهیم اصول سیاست خارجی را که بر پایه عزت و حکمت و مصلحت استوار است، بر اوضاع و شرایط پیچیده امروز دنیا و وضع خاص خودمان تطبیق کنیم، بلاشک فراست، ابتکار عمل، پرکاری، دقت و پابندی شدید به اصول و آرمان‌ها جزء وظایف عمومی دستگاه دیپلماسی ماست (خامنه‌ای، بی‌تا، جملات قصار).

۵-۴- فروتنی

یکی از علایم ایمان، گناه نکردن، از خدا ترسیدن، با بندگان خدا خوب بودن، با دشمنان خدا خصم و سرسخت بودن، از اختلاف‌های کوچک برادران راحت صرف‌نظر کردن و با دشمنان ذره‌ذره را به حساب آوردن است. در مقابل مؤمنین فروتن باشید (اذلة علی المؤمنین) (مائده: ۵۴). این، با شاخ‌وشانه‌کشیدن با همدیگر سازگاری ندارد. این، با محبت و گذشت و مدارا میسر می‌گردد. این‌ها تقوا است. تقوا در مسائل مالی، در مسائل ناموسی، در مسائل شخصی، در مسائل سیاسی، به‌ویژه تقوا در مسائل کاری را مهم بینگارید (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۳/۲).

۵-۵- شخصیت‌های انقلابی

جوان‌های مؤمن، جوان‌هایی که برای اسلام، ارزش‌های اسلامی و پیشوایان اسلام، برای سربلندی این کشور و عزت این ملت دلتان می‌تپد، جوانانی که استقلال و پاکی و طهارت برای خود انتخاب کرده‌اید! هرچه می‌توانید خودتان را بسازید، هرچه می‌توانید خودتان را

آماده کنید. بدانید که ادامه این روند و استمرار این راه به شخصیت‌های برجسته، مستحکم، باایمان و قوی احتیاج دارد. ضعیف‌ها زیادند، ممکن است حرفی هم بزنند که خوشایند باشد؛ اما در کشاکش دهر، زود می‌برند و می‌افتند! شما از آن مستحکم‌ها باشید. دارای فضل و بزرگمردی و سالاری باشید. کسانی باشید که خودتان را بسازید و بازوی توانمند و نیرومند شما بتواند چرخ انقلاب را بچرخاند و این روند را مستمر کند (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۲۳).

۵-۶- ایران، کشور پر ظرفیت و با استعداد

این کشور، يك کشور بسیار پر ظرفیت و با استعدادی است. از لحاظ طبیعت، بسیار ثروتمند است؛ در حالی که در واقعیت قضیه مشاهده می‌کنید که مردم این کشور، از ثروت برخوردار نیستند. سال‌های متمادی از ثروت این کشور، خیلی‌ها در بیرون مرزها، ثروتمند شدند؛ اما عامه مردم، محروم ماندند و محرومیت در این کشور، در روی این سرزمین ثروتمند باقی ماند! (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۲۴).

۵-۷- حساس‌ترین نقطه

این کشور را می‌شود ساخت. در این کشور می‌شود دویست، سیصد میلیون انسان بزرگ، انسان باسواد و شجاع به وجود آورد و زندگی کنند؛ اگر شما جوانان در خط همین انقلاب عزیز و کارآمد، حرکت جدی را شروع کنید، در آینده نه‌چندان دوری این کشور که در مرکز دنیا هم واقع است. از لحاظ ثروت، از لحاظ تاریخ و از لحاظ فرهنگ، این است و مردم ایران به اعتراف همه، مردمی هستند که از هوش معمولی بالاترند. برای اینکه این کشور به جایگاه شایسته خودش برسد، احتیاج دارد که این انقلاب، با همین روند، سال‌هایی ادامه پیدا کند و این، کار شما جوانان و کار قشرهای مختلف است. دشمن می‌خواهد این کار نشود. دشمن می‌خواهد این روند منقطع بشود؛ چون در آن صورت، دیگر از اینجا بهره‌ای نخواهد برد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۲۴).



۵-۸- دشمن شناسی

هم دشمن را باید شناخت، هم شیوه‌های دشمنی را. راه و رسم‌ها و سمت و سوهایی را که این‌ها برای دشمنی در نظر گرفته‌اند، [همه] باید بدانند؛ مسئولین باید بدانند، مردم هم باید بدانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

۵-۹- بصیرت

درس امروز من و شما از حادثه نوزدهم دی این باشد که بدانیم باید دشمن را شناخت. شیوه و سمت و سوی کار دشمن را دانست و به‌هنگام، به‌وقت با هر وسیله‌ای که در اختیار من و شما هست، در مقابل او باید ایستاد (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

۵-۱۰- عدم حرکت قهقرایی

این، شرط انقلاب است. اگر به سمت بدتر شدن رفت، این انقلاب نیست، بلکه یک حرکت قهقرایی است. انقلاب، حرکت پیشرو است، پس مهم‌ترین بنیان‌های زندگی در یک جامعه، به سمت بهتر شدن و بی‌عیب شدن، دگرگون بشود. این معنای انقلاب است (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۰۲).

۵-۱۱- بقاء آرمان‌های انقلابی

حرکت انقلابی تمام شد؛ اما آرمان‌های انقلابی باقی است. آرمان انقلابی باقی است که کافی نیست؛ باید روند انقلاب - یعنی خود انقلاب - باقی باشد. انقلاب، زنده است. آن روزی که دشمن این انقلاب بتواند این روند و این حرکت را متوقف بکند، انقلاب، شکست خورده است. آن روزی که دشمن بتواند این حرکت زمان‌گیر دشوار نفس‌گیر؛ یعنی دگرگونی تدریجی را که کار انقلاب است، در بنیان‌های جامعه متوقف کند، انقلاب را شکست داده است. اگر بتواند آن را کُند بکند، انقلاب را عقب رانده است؛ هرچند شکست هم نداده باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۱۷).

۵-۱۲- استمرار در عمل و آرمان‌های بزرگ

انقلاب، يك روند و يك حرکت مستمر است. از يك‌جا آغاز می‌شود و پیش می‌رود. باید آن را هدایت کرد که درست پیش برود. باید آن را كمك کرد که متوقف نشود (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۰۲). در کوتاه‌مدت، آرمان‌های بزرگ تحقق پیدا نمی‌کند. آرمان‌های بزرگ احتیاج به استمرار عمل دارد. کار را بایستی به صورت پیگیر دنبال کرد و از آن مأیوس نشد تا به نتیجه برسد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ج ۶: ۱۶۰).

نتیجه‌گیری

این پژوهش براساس سوال اصلی «چگونه آرمان‌های انقلاب در فرآیند جامعه اسلامی تمدن ساز مؤثر است؟» در سایه بازخوانی بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب، با تکیه بر اندیشه فکری رهبر معظم انقلاب^(مدظله) به چیستی انقلاب، آرمان‌های انقلاب اسلامی و رمز استمرار و تقویت آرمان‌های انقلاب در راستای جامعه اسلامی تمدن ساز پرداخته است و همچنین برای درک بهتر آرمان‌های انقلاب اسلامی، به مقایسه انقلاب‌های متعارض معاصر هم اشاره داشته که در مجموع می‌توان دریافت:

انقلاب یعنی دگرگونی! اگر یک انقلاب از ایدئولوژی اصیلی برخوردار باشد و رهبرانش به آن پایبند باشند و درعین حال مردمانش به ایدئولوژی و رهبران اعتماد داشته باشند، وحدتی ایجاد خواهد شد که منجر به استمرار و تقویت آن انقلاب خواهد شد، همانند انقلاب اسلامی ایران که ماهیتی اسلامی داشت و از ایدئولوژی و رهبری واحد و مورد تأیید مردم برخوردار بود، رخ داد و تداوم یافت. برای اینکه جمهوری اسلامی ایران به تمام معنا انقلابی باقی بماند، باید حالت تجدیدپذیری و تحول دائمی ارزش‌ها و آرمان‌های منتسب به خود را حفظ نماید و مظهر انقلاب باشد. از سوی دیگر، در اندیشه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله)، انقلاب «یک امر مستمر و حقیقت ماندگار و دائمی» است که ترسیم آرمان‌ها از وظایف انقلاب و حیات طیبه را آرمان انقلاب می‌داند. براین اساس، رمز استمرار آرمان‌های انقلاب، حیات طیبه‌ای است که در آن، بشر امروزی را برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی من الجمله جامعه اسوه و سعادت راهنمایی می‌کند، البته هیچ انقلابی بدون مانع و مشکلات و دشمنی‌ها نیست؛ اما هر قدر که یک انقلاب مردمی‌تر بوده، در پشت سر گذاشتن موانع و مشکلات و مبارزه با دشمنی‌ها موفق‌تر خواهد بود.



پیشنهاد

قطعاً انقلاب اسلامی در نگاه و اذهان مردم دنیا، به‌ویژه مسلمانان، با شکل‌گیری انقلاب و نظام اسلامی به‌عنوان الگو قرار دارد. بدیهی است که انجام پژوهش‌ها در مورد بررسی راهکارهای نوین با توجه به فناوری‌های رسانه‌ای برای معرفی گسترده‌ی دستاوردها و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران که منجر به تفوق گفتمانی و تعیین مسیر حرکت از نظام اسلامی به دولت و جامعه و تمدن اسلامی است ضرورت تام دارد و به‌منظور کاربردی شدن آرمان‌ها حداقل در مقیاس جهان اسلام و منطقه، به روش تطبیقی مطالعه و بررسی شوند.

منابع

- قرآن کریم.

- ابن‌خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۶۲). فرهنگ لغت برهان قاطع. تهران: امیرکبیر، چ ۵.
- آراسته‌خو، محمد (۱۳۷۰). نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی-اجتماعی. تهران: گستره.
- ابن‌خلدون، عبد‌الرحمن (۱۳۶۲)، مقدمه ابن‌خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: مرکز انتشارات علمی فرهنگی.
- بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۳)، کاوش‌های نظری در الهیات و تمدن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- پورشیخ، ملیحه (۱۳۹۵). تئوری‌های انقلاب و انقلاب‌های جهان [انقلاب‌های متعارض معاصر، استاد دکتر مصطفی ملکوتیان]. گروه انقلاب اسلامی. دانشگاه معارف اسلامی. قم: ایران.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد و فاطمه شهریار (۱۳۹۱). «شناخت حوادث ۲۰۱۱ خاورمیانه در قالب مبانی مفهومی-نظری». فصلنامه مطالعات راهبردی. مسلسل ۵۵ (۱)، ص ۱۴.
- حییم، سلیمان (۱۳۸۰). فرهنگ کوچک انگلیسی-فارسی. تهران: فرهنگ معاصر، چ ۳۳.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۸). سایه‌سار ولایت (منشور مطالبات مقام معظم رهبری^(مدظله)) از دانشگاه و دانشگاهیان. قم: دفتر نشر معارف، ج ۶ و ۴ و ۳.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۲/۱۰/۳). بیانات در افتتاح دومین دوره تحصیلی دانشگاه امام صادق



(ع)، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای. بازیابی شده در <http://.۹۸/۶/۱۹>

farsi.khamenei.ir

- (۱۳۷۰/۷/۵). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران.
- (۱۳۷۸/۱/۲۸). بیانات در دیدار با وزیر کشور و استانداران.
- (۱۳۷۵/۷/۱۸). بیانات در دیدار اقسار مختلف مردم.
- (۱۳۹۸/۱/۱۴). بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی با رهبر انقلاب.
- (۱۳۸۱/۱۱/۷). بیانات در دیدار جمعی از پاسداران.
- (۱۳۷۷/۲/۲۴). بیانات در دانشگاه امام حسین علیه‌السلام.
- (۱۳۸۳/۴/۱). در مشهد و بیانات در دیدار با اعضای هیئت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی.
- (۱۳۶۱/۹/۱۲). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران.
- (۱۳۶۷/۴/۳۱). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران.
- (۱۳۸۰/۳/۱۲). بیانات در دیدار اعضای ستاد ارتحال حضرت امام رحمه‌الله‌علیه.
- (۱۳۸۱/۷/۱۷). بیانات در دیدار پاسداران به مناسبت روز پاسدار.
- (۱۳۷۷/۶/۱۲). بیانات در دانشگاه تربیت مدرس.
- (۱۳۷۵/۹/۱۹). بیانات در دیدار کارگزاران نظام.
- (۱۳۸۷/۹/۲۴). بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت.
- (۱۳۸۸/۳/۱۴). بیانات در مراسم بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
- (۱۳۸۴/۶/۸). بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت.
- (۱۳۷۰/۸/۲۷). بیانات در دیدار روحانیون دفتر نمایندگی ولی فقیه در امور اهل سنت.
- (۱۳۸۴/۲/۱۸). بیانات در دیدار مردم شهرستان رفسنجان.
- (۱۳۸۶/۳/۱۴). بیانات در مراسم هجدهمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
- (۱۳۹۵/۱۰/۱۹). بیانات در دیدار مردم قم.
- (بی تا). جملات قصار.
- (۱۳۹۱/۵/۲۶). درس‌گفتار قرآن کریم روز بیست و هشتم: تعلیم و تزکیه؛ وظیفه اصلی

پیغمبر.



- ____ (۱۳۶۹/۳/۲). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه. تصحیح صبحی صالح. قم: هجرت.
- زمخشری، ابوالقاسم، محمد، اساس البلاغه، بیروت، دار صادر، ۱۳۳۹ ق.
- طیبی، حشمت‌الله (۱۳۵۴). مبادی و اصول جامعه‌شناسی. تهران: اسلامیه.
- فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۶). ژئوپلتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی. قم: شیعه‌شناسی.
- قنبری، آیت (۱۳۸۶). اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری (مدظله). تهران: زمزم هدایت، ج ۱.
- کینک، ساموئل (۱۳۵۵). جامعه‌شناسی. ترجمه مشفق همدانی. تهران: امیرکبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). کافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه، ج ۴.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا). جامعه و تاریخ. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- معین، محمد (۱۳۸۵). فرهنگ جامع معین. تهران: امیرکبیر، ج ۱.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۱). پدیده انقلاب. تهران: دانشگاه تهران، ج ۲.
- مهیار، رضا (بی‌تا). فرهنگ ابجدی عربی-فارسی. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم‌افزار جامع الاحادیث.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴)، نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: وزارت امور خارجه.
- نرم‌افزار جامع الاحادیث. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- نرم‌افزار جامع التفاسیر. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.



